

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بابک یزدی

یکشنبه ۱۱ اپریل ۲۰۱۰

گزارشی از

جلسه انجمن سکولارهای سبز ایرانی در تورنتو

روز شنبه ۱۰ اپریل اولین جلسه انجمن سکولارهای سبز ایرانی در تورنتو در رستوران دوستان از ساعت ۸ تا ۱۲ شب برگزار گردید. در این جلسه بیش از یکصد نفر از فعالین گرایشهای مختلف از راست سلطنت طلب، دموکرات، لیبرال، ملی‌گرا تا چپ کمونیست کارگری و غیره شرکت کرده و بعضاً دعوت هم شده بودند.

برنامه با چند اسلاید شو از مبارزات (به روایت این دوستان سبز) مردم ایران نشان داده شد و آقایان دکتر "زندى" و "بیات" سخنرانی کرده و روایت خود را از سکولاریسم و "جنبش سبز مردم ایران" ارائه دادند و پس از آن، جلسه به پرسش و پاسخ اختصاص یافت که به نظر من شور و هیجان برنامه بیشتر در این قسمت بود.

سخنران اول تا آنجا که به نقد رهبران به اصطلاح اصلاح طلب از جمله "موسوی و کروبی و خاتمی" برمی گشت اشارات خوبی داشت و اینکه اینها هیچ ربطی به مبارزه و به روایت ایشان "جنبش سبز مردم" ندارند. آقای "بیات" که لوگوی این انجمن را ترسیم کرده بود اشاراتی به چرائی و چگونگی کشیدن این لوگو کرد و در صحبت خود اشاره کرد که خیلی خوشحالم که در نیویورک در اعتراض به حضور احمدی نژاد همه گروه ها و پرچمهای ایرانی را از سلطنت طلب تا مجاهد و سبز و ملی گرا و مصدقی را در کنار هم دیدم و اینکه آینده ایران باید آزادی بیان و مذهب و تحصیل و نوشتن و ... وجود داشته باشد.

در قسمت پرسش و پاسخ "آرشاک شجاعی" از مجریان برنامه اشاره کرد که قرار بود پرسش و پاسخ کتبی باشد که بعضی از دوستان به درستی اعتراض کرده و این مشکل حل شد و بنابراین پرسش و پاسخ هم کتبی هست و هم شفاهی.

من اولین کسی بودم که در این قسمت میکروفون را گرفته و صحبت کردم. در صحبت خود مطرح کردم که من یکی از اعتراض کنندگان بودم و بدین باورم که سنت پرسش و پاسخ شفاهی را باید حفظ کرد و بدون اینکه بخواهم اتهامی به کسی بزنم همیشه این احتمال وجود دارد که مجریان هر برنامه ای سؤالهائی را دستچین کرده و به بخشی از سؤالاها به هر دلیل و بهانه ای جواب ندهند. و این می تواند مبنا و سنتی باشد برای سانسورهای دوباره و در آینده.

چون در طول تاریخ به بهانه توهین به مذهب و دین و خدا و شاه و میهن و پرچم و ... سانسور شده، قلمها را شکسته و زبانها را بریده اند و این سنت آزادی بدون قید و شرط عقیده، بیان، تحزب و تشکل که آهسته آهسته جا باز می کند را باید تبلیغ کرد و پاس داشت. و اگر محدودیت وقت هم باشد می شود وقت کمتری و به تعداد کمتری اختصاص داد.

پس از آن اشاره کردم که نفس به راه انداختن انجمن سکولارها چیز مثبت و قابل ارزشی می باشد ولی چرا سکولارهای سبز؟ من بیش از ۳۰ سال است که سکولار هستم و در حال حاضر هم عضو انجمن سکولارها و آنتیستهای کانادائی می باشم، ولی هیچ وقت رنگی برای سکولاریست خود قائل نبوده ام. سکولارها معمولاً با اینکه طیف های مختلفی بوده و هستند ولی بیشتر انسان های چپ و آزادیخواه و برابری طلب بوده اند و با رنگ قرمز تداعی می شده اند و حالا تکلیف انجمن شما با سکولارهایی از نوع من چه می شود؟ آیا نمی شد نام انجمن را فقط "انجمن سکولارهای ایرانی تورنتو" گذاشت؟ آیا سبز نامیدن انجمن سکولارها خودش به نوعی نشان نزدیکی به "موسوی" و اطرافیانیش نیست که نشانی از اسلام و مذهب و سیدی دارد؟

نکته دیگر این که آقای "بیات" در مورد آزادی ادیان به درستی اشاره کردند، منتها آزادی بی دینی چه می شود؟ در طول تاریخ حاکمیت پادشاهان و کشیشان و آخوندها و خاخام ها و ... آزادی ادیان به نوعی همیشه بوده ولی آزادی بی دینی نبوده و در طول تاریخ آزادی خواهان و برابری طلبان را به بهانه های کافر، ملحد، بی دین و محارب و ... زندان و شکنجه و اعدام کرده اند و حالا دیگر زمانی است که باید آزادی بی دینی را همه جا و همیشه در کنار آزادی ادیان گفت. نکته دیگر اینکه آقای بیات در آمریکا در نیویورک در کنار سازمان ملل پرچم همه گروه ها و احزاب و گرایشات ایرانی را دیده اند، ولی کمونیستها و آزادیخواهان و برابری طلبان را که در اولین قسمت ورودی تظاهرات نیویورک بودند و هر کس با هر گرایشی برای وارد شدن به محل اصلی تظاهرات مجبور بود از کنار پرچمهای سرخ آزادی و برابری و پرچم و بنر قرمز کمونیستها رد شود و از فاصله چند صد متری هم این پرچمها قابل رویت بود، و اتفاقاً تنها پرچم رژیم اسلامی هم که در آنجا پیدا شد توسط همین کمونیستها به آتش کشیده شد و چندین خبرنگار ایرانی و آمریکائی نیز از آن صحنه فیلمبرداری کردند. اما آقای بیات چگونه این پرچمها را ندیده اند من تعجب می کنم! امیدوارم که این ندیدن عمدی نبوده باشد!

پس از صحبت من خیلی از سوالها چه کتبی و چه شفاهی حول چرائی سبز نامیدن این انجمن و امکان تغییر نام آن بود. در پایان نیز سؤالاتی حول چگونگی انحلال رژیم، سرنگونی رژیم و یا تغییر رژیم مطرح شد. آقای "سعید چوبک" از مجریان و بنیانگذاران این انجمن اشاره کرد که هدف بیشتر ما سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی هست (که مورد تشویق قرار گرفت) ولی ایشان اشاره کرد که "ما نسخه ای در جیب نداریم و همه چیز را همگان دانند و در این مورد همه باید همکاری کنند و راه حل ارائه دهند".

من در پایان دوباره در صحبتی کوتاه اشاره کردم که برای سرنگونی و یا تغییر رژیم های ضد مردمی سه راه شناخته شده وجود دارد. یکی از طریق انتخابات و پارلمان و احزاب سیاسی که همه می دانیم در ایران چنین احتمالی وجود ندارد. دوم از طریق دخالت خارجی و یا کودتا که نمونه عراق و افغانستان را در جلوی خودمان داریم. و دیگری از طریق انقلاب و مبارزه انقلابی مردم. من خودم طرفدار انقلاب هستم و عضو و فعال حزبی هستم که برای سازماندهی و پیروزی این انقلاب تلاش می کند. یک پیشنهاد هم به این انجمن و دست اندرکاران این انجمن دارم که نام خود را به "انجمن سکولارهای ایرانی" تغییر داده تا شاید من و خیلی دیگر از دوستان هم در مورد عضویتش بتوانیم فکر کنیم و ثانیاً اینکه شماها می توانید "حزب سبز ایران" را تشکیل دهید. احزاب سبز

کشورها معمولاً چیزی بین چپ و راست هستند و نقاط مشترکی هم با احزاب چپ و هم راست دارند. اگر چنین حزبی جدی و سراسری تشکیل شود شاید نکات مشترکی هم بین این حزب و حزب ما وجود داشته باشد که در آینده بتوانیم حول آن محورها بحث و گفت و گو کنیم.